

نشانه‌شناسی؛ تحلیل کیفی درکشف دلالت میان دال و مدلول

فاطمه سادات سعادت فرد^۱، سیف‌اله فضل الهی قمشی^۲

^۱ دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، گروه مدیریت آموزشی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول)

^۲ گروه مدیریت آموزشی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران/ دانشیار و دکتری برنامه‌ریزی درسی

چکیده

دنیای پیرامون ما مملو از نشانه‌ها و علائم است و ما از طریق این نشانه‌هاست که پیام‌هایی را بین خود رد و بدل می‌کنیم. نشانه‌شناسی علمی است که به مطالعه‌ی نظام نشانه‌ها می‌پردازد و سعی دارد تا با کشف دلالت میان دال و مدلول، معنای نهفته در نشانه‌ها، رمزها و علائم را آشکار سازد. تحلیل نشانه‌شناختی، یکی از روش‌های تحلیل کیفی است که به بررسی دال‌ها در راستای دستیابی به معنای آنها می‌پردازد. هدف از این پژوهش، نگاهی نو به روش پژوهش کیفی تحلیل نشانه‌شناختی است. این روش که در علوم فراوانی کاربرد دارد، یکی از روش‌های مهم در پژوهش کیفی است. پژوهش حاضر که به صورت تحلیلی توصیفی و با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای صورت گرفت است، نشان می‌دهد که روش تحلیل نشانه‌شناختی تا چه حد اهمیت دارد، چه وجوه کاربردی دارد، تکنیک‌های آن کدامند، چه رویکردهایی دارد، تمایز آن با دیگر روش‌های پژوهش کیفی در چیست و در نهایت چه انتقاداتی به آن وارد است.

واژه‌های کلیدی: تحلیل نشانه‌شناختی، نشانه‌شناسی، پژوهش کیفی، نشانه، سمیوتیک

مقدمه:

با تأمل و درنگ در پیرامون خود، درمی یابیم که از طریق نظام علائم، پیامها را به یکدیگر و به خود منتقل می کنیم. زبان، دارای چنین نظامی است و گفته می شود که زبان، بازی بی پایان نشانه هاست. اما در موارد دیگری نیز مانند نمادهای ریاضی، دستگاه علائم موسیقی، تصاویر، علائم جاده ها و غیره اشاره های غیرکلامی وجود دارد. نشانه شناسی مطالعه ی نظام های علائم است، به ویژه مطالعه ی این که چگونه اشیاء (مانند حروف الفبا) می توانند انتقال دهنده ی معنی باشند و چگونه نظام علائم به رفتار آدمی مربوط می شود.

اهمیت مطالعه ی علائم با درک این نکته روشن می شود که هیچ پیامی وجود ندارد، مگر این که به شکل علائم رمزگذاری شود. فرایند رمزگذاری، ماهیت پیامی را که انتقال می یابد، تحت تأثیر قرار می دهد. از این رو برای فهم هر موقعیتی که در آن، پیام هایی رد و بدل می شود (مانند آموزش کلامی)، لازم است نظام عملیاتی را که پیام های مذکور در آن رمزگذاری شده است، بشناسیم به عبارت دیگر این اهمیت دارد که علاوه بر فهم آنچه که گفته یا نوشته می شود، این موضوع را نیز که چگونه گفته یا نوشته می شود، مورد مطالعه قرار دهیم. طبق نظر نشانه شناسان، پیامها باز نمود واقعیتی عینی نیستند، بلکه آنها سازه هایی اجتماعی، مبتنی بر استفاده از نظام های علائم اند (گال و همکاران، ۱۳۹۰). نشانه به طور کلی مفهومی تحلیلی است و تحلیلگر ابتدا در هر حال با متن روبرو می شود و سپس برای تحلیل متن ممکن است به ابزاری به نام نشانه و چگونگی هم نشینی آن با نشانه های دیگر در سایر نظام های نشانه ای متوسل شود (سجودی، ۱۳۸۷).

واژه شناسی پژوهش تحلیل نشانه شناختی

تحلیل نشانه شناختی معادل فارسی ترکیب انگلیسی *Semiotic Analysis* است. واژه ی *Analysis* در زبان فارسی به معنای «تحلیل» و «تجزیه و تحلیل» است و واژه ی «*Semiotic*»، صفت و به معنای نشانه شناختی و از ریشه ی یونانی *Sensio* آمده است که به معنای «علامت» و «نشانه» است. در برخی عبارات از جمله نوشتارهای دنیس مک کوایل، تحلیل نشانه شناختی را «تحلیل ساخت گرا» می نامند (مک کوایل، ۱۳۸۲، ص. ۲۹۹-۲۷۰).

۱ Meredith Gall

۲ Denis McQuail

مبانی فلسفی روش پژوهش «تحلیل نشانه‌شناختی»

نشانه‌شناسی به لحاظ روشی، به پارادایم تفسیری و پارادایم انتقادی تعلق دارد. بر این اساس، واقعیت توسط امر بیرونی مانند واژه‌ی ایدئولوژی تحریف می‌شود و وظیفه‌ی پژوهشگر آشکارسازی این واقعیت تحریف شده خواهد بود. مانند بسیاری از روش‌های کیفی، چارچوب نظری روش نشانه‌شناختی نیز با توجه به پارادایم‌های انتقادی و تفسیر گرایانه شکل گرفته است و به جای اندازه‌گیری بر تفسیر تأکید می‌کند (خنیر و مسلمی، ۱۳۹۸، ص. ۱۰۴).

تاریخچه‌ی پیدایش و روند تکامل روش «تحلیل نشانه‌شناختی»

علم نشانه‌شناختی تا دهه‌ی ششم قرن بیستم میلادی که هم‌زمان با ظهور پست‌مدرنیسم و تفکرات پساساختارگرا بود، امکان ظهور و شکل‌گیری را به‌صورت جدی نیافت و برای اولین بار توسط فردیناند دوسوسور، مطرح شد. او با رد انگاره‌ی سنتی، که رابطه‌ی میان واژه و شیء را یک رابطه‌ی حقیقی می‌دانست، برای نخستین بار به دلخواه بودن آن اشاره کرد. او هر پیوند ذاتی میان واژه و شیء و همچنین واژه و مفهوم را نادرست خواند و این پیوند را زاده‌ی یک همگرایی اجتماعی دانست. از دهه‌ی ۱۹۵۰ میلادی به این سو نشانه‌شناختی به عنوان روش پژوهش به ویژه در دو قلمرو «شناخت دلالت‌ها» و «ادراک ساز و کار ارتباط‌ها، به کار رفته است. تقریباً تمام حوزه‌ی علوم انسانی و علوم اجتماعی را فرا می‌گیرد؛ بنا بر توصیف امبرتو آکو، نشانه‌شناختی، علمی است که با کل فرهنگ انسانی سر و کار دارد. در تاریخ علوم ارتباطات و چهارراه ارتباطی جهان از عصر باستان تا دوران مدرنیست و پسامدرن به نشانه‌ها و نمادها توجه شده است (آسابرگر، ۱۳۸۳، ص. ۱۹) ^۳

افلاطون در رساله‌ی کراتیلوس، رابطه‌ی میان واژه و شیء را یک رابطه‌ی حقیقی می‌دانست؛ ولی سوسور آن را دلخواه دانسته و پیوند میان واژه و شیء و همچنین واژه و مفهوم را زاده‌ی یک همگرایی و همراهی اجتماعی دانست. برخی هم معتقدند برای نخستین بار «جان لاک» اصطلاح «نشانه‌شناخت»^۴ را در سال ۱۶۹۰ میلادی در نوشتار خود به نام «رساله‌ای در باب قوای فاهمه» به کار برد. امبرتو آکو در ایتالیا و چارلز سندرس پیرس در آمریکا نیز به این روش پرداختند. آکو

^۳ Arthur Asa Berger

^۴ Cratylus

^۵ Ferdinand de Saussure

^۶ John Locke

^۷ Umberto Eco

^۸ Charles Sanders Peirce

ایتالیایی ها را با تحلیل نشانه‌شناختی آشنا نموده و کتاب رمان «گل سرخ» وی نسيز به این مضمون پرداخته است. تحلیل نشانه‌شناختی در حال حاضر به عنوان یکی از روش‌های پژوهش و نیز «مطالعه‌ی علائم» آنچنان توسعه یافته است که در حد یک رشته‌ی تخصصی دانشگاهی به نام سمیوتیک در مطالعات مربوط به ارتباطات جای باز کرده است (محسنیان راد، ۱۳۸۵، ص. ۱۹۵).

معرفی روش پژوهش «تحلیل نشانه‌شناختی»

تحلیل نشانه‌شناختی، یکی از روش‌های تحلیل کیفی است که به بررسی دال‌ها در یک متن جهت دستیابی به معانی آن به ویژه معانی نهفته در یک متن می‌پردازد. در برخی عبارات، از جمله نوشتارهای دنیس مک کوایل، تحلیل نشانه‌شناختی را «تحلیل ساخت‌گرا» می‌نامند. نشانه‌شناختی علم مطالعه‌ی نشانه‌هاست که به مطالعه‌ی سیستماتیک تمامی فاکتورهایی که در ایجاد و یا تأویل نشانه و یا در فرایند دلالت دخیل هستند، می‌پردازد. پس نشانه‌شناختی به مطالعه‌ی موضوعاتی می‌پردازد که برای انسان معنادار باشد. از این رو نشانه‌شناختی با توجه به ماهیتی که دارد به حوزه‌های مختلف علمی ربط پیدا کرده و به هر کدام یک سری خدمات ارائه می‌دهد. از علوم اجتماعی مثل جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، ارتباطات و ... گرفته تا هنر، علوم تجربی، ریاضیات و هر آنچه که با پدیده‌های معنادار برای انسان سر و کار داشته باشد؛ همه و همه می‌توانند در نشانه‌شناسی مورد بحث قرار بگیرند.

اهمیت و گستره‌ی تحلیل نشانه‌شناختی

اهمیت این تحلیل در حدی است که برخی نشانه‌شناسان ادعا می‌کنند که می‌توان همه چیز را تحلیل معناشناسانه کرد. معناشناسی از نظر آنان، ملکه‌ی علوم تفسیری محسوب می‌شود. یعنی شاه‌کلیدی که با کمک آن معنای همه‌ی چیزهای دنیا برای ما روشن می‌شود. (آسابرگر، ۱۳۸۳، ص. ۱۸)

برخی از وجوه کاربرد این تحلیل عبارت‌اند از (خنيفر و مسلمی، ۱۳۹۸، ص. ۱۰۶):

۱. واکاوی معنای نهفته در پیام
۲. تحلیل متون چندنظامه
۳. تحلیل نشانه‌شناختی در دیگر حوزه‌ها.

۱. واکاوی معنی نهفته در پیام

تحلیل نشانه‌شناختی در کنار روش‌های کیفی دیگر مانند تحلیل گفتمان علاوه بر استخراج معانی صریح، به واکاوی معنای پنهان متن می‌پردازد (ساعی، ۱۳۸۷، ص. ۱۸۷)؛ زیرا حقیقت معنا در پیام ارتباطی، تنها در قاب نظام‌های نشانه‌ای استفاده شده در آن پیام متجلی است و نشانه‌شناختی بر آن بوده است که ماهیت نظام‌های نشانه‌ای را که از قواعد دستور زبان و نحو فراتر می‌رود و معانی پیچیده، پنهان و وابسته به فرهنگ متون را تنظیم می‌کند، دریابد (مک کوایل، ۱۳۸۲، ص. ۲۶۶) زیرا متن‌ها (مثل فیلم‌ها، برنامه‌های تلویزیونی، فیلم‌های تبلیغاتی و غیره) مثل زبان هستند و قوانین زبان‌شناسی را می‌توان بر آن‌ها هم اعمال کرد. زبان ما را قادر می‌سازد که اطلاعات، احساسات، افکار و چیزهای مشابه دیگر را باهم مبادله کنیم و این کار را با ایجاد نظام‌ها و قواعدی که مردم به یادگیری آن‌ها می‌پردازند انجام می‌دهیم. همان‌طور که برای نگارش و سخن گفتن دستور زبان وجود دارد، برای انواع متن‌ها و همچنین انواع رسانه‌ها هم دستور زبانی موجود است (آسبرگر، ۱۳۸۳، ص. ۲۸).

این نشانه‌شناختی و فنون آن است که ما را به این معانی نهفته و ضمنی رهنمون می‌سازد. به عنوان مثال به این استنباطات تحلیلی از برخی نشانه‌ها که توسط آسا برگر، پژوهشگر علوم ارتباطی نوشته شده است توجه کنید (آسبرگر، ۱۳۸۳، ص. ۲۶):

مدلول‌ها	دال‌ها
صاحب کلاه روشن‌فکر است	اندازه‌ی کلاه (بزرگی مغز)
مرد کلاه تازه‌ای ندارد، وی وضعیت خوبی ندارد.	کیفیت کلاه خوب است اما سه سال است که تمیز نشده است.
همسر مرد، دیگر دوستش ندارد.	هفته هاست که کلاه تمیز نشده است
مرد کمتر از خانه بیرون می‌رود.	گرد و خاک روی کلاه، گرد و خاک قهوه‌ای رنگ خانه است.
خانه گاز ندارد.	لکه‌های شمع آب شده بر کلاه دیده می‌شود.

۲. تحلیل متون چندنظامه:

دیگر امتیاز ویژه‌ی تحلیل نشانه‌شناختی در این است که می‌توان آن را در مورد متن‌هایی به کار برد که بیش از یک نوع «نظام نشانه‌ای» و نشانه در ساخت آن‌ها به کار رفته است (مثلاً متون سمعی و بصری) و برایشان هیچ نوع دستور زبان جا افتاده یا فرهنگ لغات معتبری یافت نمی‌شود. بیشتر محتواهای رسانه‌ها از این نوع هستند (خنifer و مسلمی، ۱۳۹۸، ص. ۱۰۷).

۳. تحلیل نشانه‌شناختی در دیگر حوزه ها :

اهمیت تحلیل نشانه‌شناختی تنها در حوزه علوم ارتباطات نیست؛ بلکه پیرس معتقد بود: «این جهان سرشار از نشانه‌هاست هرچند که منحصرأ از آنها تشکیل نشده باشد». هرچه را که انجام می‌دهیم می‌توان پیامی یا نشانه‌ای تلقی کرد. اگر هر آنچه در این جهان هست نشانه تلقی شود، پس نشانه‌شناختی اهمیتی شگفت‌انگیز خواهد یافت. نشانه‌شناختی با نتایج جالب توجه در حوزه‌های پزشکی، معماری و جانورشناسی نیز به کار برده شده است. (آسابرگر، ۱۳۸۳، ص. ۱۸).

تکنیک های تحلیل نشانه‌شناختی

نشانه‌ها و روابط، دو مفهوم کلیدی تحلیل نشانه‌شناختی می‌باشند. روابط از خود اشیاء و نشانه‌ها مهم‌تر هستند (آسابرگر، ۱۳۸۳، ص. ۲۰-۱۹)، زیرا خلق معنا تنها در اثر برقراری روابط میان اشیاء انجام می‌پذیرد؛ مثلاً در واژه‌های دستور زبان، تنها شکل و ترکیب واژه‌ها و ارتباط آنها با هم است که معنای آنها را تعیین می‌کند. (آسابرگر، ۱۳۸۳، ص. ۳۱).

از دید سوسور نشانه‌ها در اصل به یکدیگر ارجاع می‌دهند. در نظام زبان «همه چیز وابسته به روابط است». هیچ نشانه‌ای قائم به ذات معنی نمی‌یابد، بلکه ارزش آن ناشی از رابطه‌ی آن با نشانه‌های دیگر است. هم دال و هم مدلول، مفاهیمی تقابلی و مبتنی بر جایگاه و رابطه‌شان با دیگر اجزای نظام هستند (سجودی، ۱۳۸۷، ص. ۲۱). برای کشف معانی نهفته، تکنیک‌های خاصی وجود دارد که همگی به بررسی نشانه‌ها و روابط آنها می‌پردازند:

۱. بینامتنی: بینامتنی اصطلاحی است که بر سر آن اختلاف عقیده بسیار است. اما به بیان ساده عبارت است از: استفاده‌ی آگاهانه یا ناآگاهانه از مطالب متون قبلاً خلق شده، در متن جدید. اینکه چه متونی در این متن حضور دارند، ما را به فهم بهتر این متن هدایت می‌کند. در بعضی فیلم‌ها نیز این بینامتنی حضور دارد و کارگردان صحنه‌هایی می‌آفریند که می‌توان آن را «نقل قولی» از فیلم‌های دیگر به شمار آورد (آسابرگر، ۱۳۸۳، ص. ۴۴-۴۳).

۲. تحلیل همزمانی (ساختار جانشینی: Paradigmatic Structure) و درزمانی (ساختار هم‌نشینی: Syntagmatic Structure): این تمایز نیز یکی از یادگارهای سوسور است. وی همزمانی (Syntagmatic) را به معنای «تحلیلی» و درزمانی (Diachronic)، را به معنای «تاریخی» به کار می‌برد. بنابراین مطالعه‌ی همزمانی یک متن به روابطی که میان عناصر آن وجود دارد توجه می‌کند و مطالعه‌ی درزمانی نحوه تکامل روایت را می‌نگرد. به سخن دیگر، تحلیل همزمانی متن به دنبال الگوی تقابلی نهفته در متن است. اما تحلیل درزمانی بر تسلسل پیشامدها که روایت قصه را می‌سازد تأکید دارد (آسابرگر، ۱۳۸۳، ص. ۳۱).

۳. استعاره و کنایه (Metaphor & Metonymy): بیشتر نشانه‌شناسان، فنون بلاغی چون استعاره و کنایه را در قلمرو نشانه‌شناسی می‌دانند (سجودی، ۱۳۸۷، ص. ۵۸). استعاره و کنایه، دو راه برای انتقال معانی هستند. در استعاره، رابطه‌ی میان دو چیز از راه قیاس مطرح می‌شود و یکی از رایج‌ترین صور آن، تشبیه است. مانند عبارت «او مثل فرشته، خوب است». در کنایه، رابطه‌ای مطرح می‌شود که مبتنی بر تداعی است (آسابرگر، ۱۳۸۳، ص. ۴۶-۴۵).

۴. رمزاها: رمزاها اشکال بسیار پیچیده‌ی تداعی معانی هستند که در جامعه و فرهنگ خاصی همه‌ی آن را یاد می‌گیریم. این رمزاها با «ساخت‌های راز آلود» در ذهن ما، بر شیوه‌ی تفسیر علائم و نشانه‌هایی که در رسانه‌ها یافت می‌شوند و همچنین شیوه‌ی زندگی‌مان اثر می‌گذراند (آسابرگر، ۱۳۸۳، ص. ۴۸ و ۵۴). همه‌ی رسانه‌ها تابع رمزاها هستند؛ این رمزاها نشانه‌شناختی دارای معانی نهفته‌ای هستند که با این تکنیک یعنی رمزشناسی خاص هر رسانه و ادبیات آن، می‌توان آن را تحلیل نشانه‌شناختی نمود (همدانی، ۱۳۹۳، ص. ۷-۱).

رویکردهای نشانه‌شناختی

از نظر ژان ماری شفر آثار نشانه‌شناختی را در سه رویکرد اصلی می‌توان دنبال کرد^۱ (شفر، ۱۳۸۰، ص. ۱۵۶-۱۵۲):

۲. سنت فکری لاک-پیرس - موریس : که از میان قلمروهای آن می‌توان از ارتباطات انسانی غیر کلامی، یعنی از ایما و اشاره و حالات چهره (اطوار پژوهی) و نیز شیوه‌های تعامل مکانی (فاصله پژوهی) نام برد. این قلمرویی است که در آن نشانه‌شناسان با تفکرات مردم‌شناسان رفتارهای انسانی رو به رو می‌شوند (شفر، ۱۳۸۰، ص. ۱۵۹-۱۰۲). نقطه‌ی شروع آن یک نظریه‌ی عمومی در باب نشانه‌هاست (نشانه‌هایی که می‌توانند طبیعی یا قراردادی، انسانی یا غیرانسانی باشند). آرمان نهایی این سنت، پی‌ریزی یک نظریه‌ی عمومی در باب پدیده‌های ارتباطی است. در این چشم‌انداز، زبان انسانی به حالت دلالتی ارتباطی جلوه می‌کند. (گیرو، ۱۳۸۳، ص. ۱۵۶-۱۵۲).^۲

۲. سنتی که بر سیبرنتیک و نظریه‌ی اطلاع استوار شده است. این رویکرد در فرانسه دیده می‌شود، اما خصوصاً در دهه‌های شصت و هفتاد میلادی در اتحاد جماهیر شوروی سابق (به ویژه در حلقه‌ی تارتو) تکوین یافته است. مهمترین سهم این نشانه‌شناختی در عرصه‌ی مطالعه‌ی نشانه‌های فرازبانی و طرح و بسط نشانه‌شناختی فرهنگ است که می‌توان به آثار یوری لوتمن درباره‌ی ادبیات و سینما یا به آثار اوسپنسکی درباره‌ی هنر اشاره کرد.^۴

^۱ Jean-Marie Schaeffer

^۲ Morris

^۳ Pierre Guiraud

^۴ Yuri Lotman

۳. سنت زبان‌شناختی، که به ویژه در فرانسه چیرگی داشت، در واقع کمابیش با جنبش ساختارگرایی یکی است. برخی برای آن که به ویژگی خاص آن اشاره کنند؛ از اصطلاح سمیولوژی دوسوسور و نه سمیوتیک استفاده می‌کنند. وجه مشخصه اصلی نشانه‌شناختی فرانسوی این است که به طور تنگاتنگی به الگوی زبان‌شناسی ساختاری وابسته است، حتی تا آن جا پیش می‌رود که رابطه‌ی میان نشانه‌شناختی و زبان‌شناسی را واژگون کرده و نشانه‌شناختی را فقط جنبه‌ای از زبان‌شناسی می‌داند، زیرا این سنت معتقد است که در واقع همه‌ی نظام‌های غیر نشانه‌ای را زبان مقدر کرده است و نشانه در ذهن، همچون زبان، بازشناسی می‌شود.

دلیل جذبه‌ی تحلیل نشانه‌شناختی

شاید یکی از دلایل جذبه‌ی تحلیل نشانه‌شناختی، ارضاء حس کنجکاوی پژوهشگر است و این بدین معنی است که نشانه‌شناسی، زندگی و آینده را نیز پیش‌بینی پذیرتر می‌سازد و کنار آمدن با آن را آسان‌تر می‌کند. این دانش نوعی دفاع مؤثر روان‌شناسانه در درون دارد (خنifer و مسلمی، ۱۳۹۸، ص. ۱۱۲).

تمایز تحلیل نشانه‌شناختی با سایر روش‌های پژوهش کیفی:

از تمایزات عمده‌ی روش پژوهش تحلیل نشانه‌شناختی با سایر روش‌های پژوهش کیفی این است که این روش نه به دنبال تولید نظریه است و نه در صدد تبیین جوهره‌ی خاص و بین‌الذهانی می‌باشد، بلکه این روش با بررسی دال‌ها، در یک متن یا موسوعه‌ی متنی، درصدد دستیابی به معانی نهفته در یک متن است. لذا محتوای تحلیل آن بسیار گسترده‌تر از بسیاری از روش‌های پژوهش کیفی است. این روش مشتمل بر موسیقی، ادبیات، سیاست، معماری، سازه‌های فلزی، وسایل ارتباط جمعی، آشپزی و اجزای مختلف فرهنگ است (خنifer و مسلمی، ۱۳۹۸، ص. ۱۱۲).

مراحل انجام پژوهش تحلیل نشانه‌شناختی

طراحی پژوهش تحلیل نشانه‌شناختی		
پژوهش کیفی	انتخاب موضوع پژوهش و بیان مسئله	بررسی و پیشینه منابع
	بیان اهداف و سوال‌های پژوهش	
	انتخاب طرح پژوهش کیفی و توجیه آن	
	تمرکز بر یک قلمرو ویژه، جامعه و ویژگی‌های مورد مطالعه	

نمونه گیری از افراد، رفتارها و وقایع (به تناسب روش)		
گردآوری داده ها در پژوهش نشانه شناختی		
نقش فعال پژوهشگر	تعیین نحوه مشارکت پژوهشگر در مطالعه	انتخاب روش مناسب
	تعیین روش گردآوری اطلاعات	
	آماده سازی ابزار و گردآوری اطلاعات	
	بازنگری اسناد و رونویسی	
تجزیه و تحلیل داده ها در پژوهش نشانه شناختی		
حرکت رفت و برگشتی در تحلیل اطلاعات گردآوری شده	انتخاب متون بر اساس گزاره ها	حرکت رفت و برگشتی در گردآوری داده ها
	قطعه بندی و کدبندی	
	شناسایی روابط داده ها و مراتب روابط نشانه شناختی	
	شناخت جدول ها، ماتریس ها و گراف ها	
	تحلیل محتوایی ماتریس ها و گراف ها	
ارائه نتایج، تهیه گزارش و ارزیابی پژوهش نشانه شناختی		
استنتاج باز	نوشتن یافته ها و تجزیه و تحلیل	امکان تفسیر
	نوشتن نتیجه گیری ها و مفاهیم	
	تهیه پیش نویس، پرداخت متن و انتشار	
	ارزیابی کیفیت پژوهش	
یافته ها، نظریه، مدل		

(خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۸، ص. ۱۱۳)

از آنجا که تحلیل نشانه شناختی شباهت های زیادی به تحلیل محتوا دارد، شایسته است که به تفاوت های این دو نیز اشاره کنیم (مک کوایل، ۱۳۸۲، ص. ۲۹۹-۲۷۰):

۱. تحلیل نشانه شناسی، برخلاف تحلیل محتوا کمی نیست.
۲. در تحلیل نشانه شناسی، معنای پنهان مورد نظر است و نه محتوای عیان که در تحلیل محتوا مورد نظر است.
۳. تحلیل نشانه شناسی هم مثل تحلیل محتوا نظام مند است اما نظام مندی او از نوع دیگری است؛ در تحلیل ساخت گرا اهمیتی برای نمونه گیری قائل نمی شوند و این نظر را رد می کنند که باید با همه واحدهای محتوا برخوردی یکسان داشت یا اینکه همان طور که در تحلیل محتوا معمول است، یک راهکار را در مورد متون گوناگون به کار برد.

۴. تحلیل نشانه‌شناسی، این فرضیه را نمی‌پذیرد که جهان «واقعیات» اجتماعی و فرهنگی، پیام و دریافت‌کننده همه از نظام معنایی مشترکی پیروی می‌کنند. واقعیت اجتماعی از جهان‌های کم و بیش مجزای معنایی تشکیل شده است که هر کدام شیوه‌ی درک خود را دارد.

انتقادات وارده به روش پژوهشی تحلیل نشانه‌شناختی

۱. احاطه‌ی پژوهشگر بر ابعاد مختلف هنری و ادبی در بسیاری از موارد کاربرد روش تحلیل نشانه‌شناختی ضروری است، حال این که بسیاری از پژوهشگران چنین احاطه‌ای بر نمادها و ظرافت‌های هنری و ادبی ندارند.
۲. یافته‌های روش پژوهش تحلیل نشانه‌شناختی اغلب از قاعده‌ی تعمیم‌گريزانند.
۳. تحلیل نشانه‌شناختی، روش تلخیص اطلاعات نیست لذا تعامل با یافته‌های آن مانند سایر پژوهش کیفی نمی‌باشد.
۴. تفسیری بودن و گریز از کمی‌زدگی در این روش، باعث می‌شود که غالب پژوهشگران نتوانند از آن استفاده کنند.
(خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۸، ص. ۱۱۷).

الگوی انجام تحلیل نشانه‌شناختی

برای انجام تحلیل نشانه‌شناختی، الگویی توسط آسابرگر برای تلویزیون ارائه شده که تا حدودی قابل تعمیم به دیگر متون نیز می‌باشد (آسابرگر، ۱۳۸۳، ص. ۵۶-۵۷):

الف) نشانه‌های مهم متن را جدا کرده و تحلیل کنید.

۱. دال‌های مهم کدام‌اند و بر چه دلالت دارند؟
۲. چه نظامی به این نشانه‌ها معنا می‌بخشد؟
۳. چه رمزهایی می‌توان یافت؟
۴. چه موضوع‌های ایدئولوژیک و جامعه‌شناختی در مسئله دخالت دارند؟

ب) ساختار جانشینی متن چیست؟

۱. تقابل مرکزی در متن چیست؟
۲. چه تقابلهایی داخل طبقات گوناگون می‌گنجند؟
۳. آیا این تقابل‌ها اهمیت روان‌شناختی یا اجتماعی ندارند؟

ج) ساختار هم‌نشینی متن چیست؟

۱. کدام یک از کارکردهای پروپ را می‌توان در مورد متن به کار برد؟

۲. ترتیب عناصر چگونه بر معنا اثر می گذرد؟

۳. آیا متن با کمک فرمول های خاصی شکل نگرفته است؟

(د) تلویزیون چه اثری بر متن می گذارد؟

۱. از چه نوع نما، زاویه ی دوربین و روش های تدوینی استفاده شده است؟

۲. چگونه برای معنا بخشیدن به نشانه ها از نورپردازی، رنگ، موسیقی و صدا استفاده می شود؟

(ه) کدام یک از ابداعات نظریه پردازان را می توان در متن اعمال کرد؟

۱. کدام یک از نوشته های نشانه شناسان را می توان در مورد تلویزیون به کار برد؟

۲. نظریه پردازان رسانه ها چه گفته اند که می تواند در تحلیل نشانه شناختی اعمال شود؟

نتیجه گیری

دنیای پیرامون ما از علائم فراوانی تشکیل شده است. انواع نمادها، رمزها و نشانه ها، وظیفه ی انتقال پیام ها و معانی را بر عهده دارند. این نظام به قدری گسترده و پیچیده است که برخی معتقدند تقریباً همه ی جهان را می توان جزئی از این نظام علائم در نظر گرفت. انسان ها معنای این علائم را توسط آموزش هایی که در طول زندگی می بینند در می یابند. اما نه معنای همه ی نشانه ها را. برای کشف معنای پیام ها، نیاز به تحلیل آن نشانه ها وجود دارد. تحلیل نشانه شناختی که به پارادایم تفسیری و انتقادی تعلق دارد، امروزه به عنوان یکی از روش های مهم تحلیل کیفی، وظیفه ی بررسی دال ها را به منظور کشف معنای نهفته در آن و رهنمون شدن به دلالت ها بر عهده دارد. این روش تحلیل، روشی ساخت گراست که به مطالعه ی ساختاری تمام فاکتورهای دخیل در ایجاد و تأویل نشانه ها می پردازد. نشانه شناسی را باید شاه کلید تفسیر معنای همه ی جنبه های این دنیا دانست. هدف این روش، واکاوی معنای نهفته در پیام ها و تحلیل آنهاست. این روش نه تنها در حوزه ی علوم ارتباطات بلکه در انواع حوزه ها مانند پزشکی، معماری، هنر و ... کاربرد دارد.

نکته ی مهم در این روش، دقت به روابط است، چرا که هیچ نشانه ای قائم به ذات نیست بلکه درک معنای آن مستلزم دقت در رابطه ی میان دال و مدلول است. در این راستا می توان از تکنیک هایی مانند تفسیر بینامتنی، تحلیل همزمانی و درزمانی، نظام استعاره ها و کنایه ها و دقت در رمزها کمک گرفت. نشانه شناسی می تواند پیش بینی زندگی و آینده را آسان تر کند و به دلیل ارضاء حس کنجکاوی پژوهشگر، روشی جذاب محسوب می شود. این روش به دنبال تولید نظریه یا تبیینی خاص نیست، بلکه با بررسی دال ها درصدد دستیابی به معنای نهفته در نشانه هاست؛ از این جهت باید آن را متمایز از دیگر روش های پژوهش کیفی دانست.

منابع

- آسایرگر، آرتور (۱۳۸۳)، *روایت در فرهنگ عامیانه، رسانه و زندگی روزمره*، ترجمه محمدرضا لیراوی، تهران: سروش.
- خنیفر، حسین و ناهید مسلمی (۱۳۹۸)، *اصول و مبانی روش های پژوهش کیفی (نگاهی نو و کاربردی)*، تهران: نگاه دانش.
- ساعی، علی (۱۳۸۷)، *روش تحقیق در علوم اجتماعی*، تهران: سمت.
- سجودی، فرزانه (۱۳۸۷)، *نشانه شناسی کاربردی*، تهران: قصه.
- شفر، ژان ماری (۱۳۸۰)، «نشانه شناسی»، از *نشانه شناسی*، نوشته پی یر گیرو، ترجمه محمد نبودی، تهران: آگه.
- گال، مردیت و همکاران (۱۳۸۶)، *روش های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی*، ترجمه احمد رضا نصر و همکاران، تهران: سمت.
- گیرو، پی یر (۱۳۸۳)، *نشانه شناسی*، ترجمه محمد نبودی، تهران: آگه.
- محسنیان راد، مهدی (۱۳۸۵)، *ارتباط شناسی*، تهران: سروش.
- مک کوایل، دنیس (۱۳۸۲)، *درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی*، ترجمه پرویز اجلالی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه روشن.
- همدانی، مصطفی (۱۳۹۳)، *تحلیل نشانه شناختی*، قم: پژوهشکده باقرالعلوم (ع).

Semiotics; Qualitative Analysis in Discovering the Meaning between Signifier and Signified

Abstract:

Semiotics is a science that studies the system of signs and tries to reveal the meaning hidden in signs, codes, and symbols by discovering the meaning between the signifier and the signified. Semiotic analysis is one qualitative study method that examines the signifiers to achieve their sense. This paper aims to take a new look at the qualitative research method of semiotic analysis. This method, which is used in many sciences, is one of the essential methods in qualitative research. The current research, which was carried out in a descriptive-analytical way and using library studies, shows the following: how vital the semiotic analysis method is, what are its practical aspects, what its techniques are, what its approaches are, its distinction from other qualitative research methods in What is it and what are the criticisms of it

Keywords: semiotic analysis, semiotics, qualitative research, sign, semiotics